



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حرم مطهر امام رضا (ع) - 1 / فروردین / 1380

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا ابي القاسم المصطفى محمد و علي آله الأطيبين الأطهرين المنتجبين. الهداة المهديين. سيما بقیة الله في الأرضين.

عید نوروز و عید غدیر و توفیق تشرف به زیارت حضرت ابالحسن الرضا علیه الصلاة والسلام را به همه برادران و خواهران عزیز - چه مردم عزیز و گرامی مشهد و چه زائران عزیزی که در این روزها از شهرهای دیگر به این آستان مقدس تشرف پیدا کرده اند - تبریک و تهنیت عرض می کنم. امید است که این سال نو و این اعیاد مبارک، برای همه ملت ایران منشأ برکات و بهروزی باشد و آغاز این سال، آغاز حوادث و تحرکاتی در جهت نفع و صلاح این ملت و موجب آسایش عمومی و جلب کننده رضای الهی باشد. بنده هم خدای متعال را شکرگزارم که یک بار و یک سال دیگر این توفیق را ارزانی فرمود که در جوار این آستان مقدس و معلی، توفیق زیارت شما برادران و خواهران عزیز را داشته باشم. از خدای متعال می خواهیم که این مجلس و این دیدارها و آنچه که می گوئیم و می شنویم، همه را برای خود و در جهت خیر و صلاح این ملت عظیم الشان قرار دهد.

آنچه که من امروز به شما حضار محترم عرض می کنم، نکاتی است که اساس آن، همان چیزی است که در پیام نوروزی هم به آن اشاره کردم. از نظر ما سال 80 هم مانند سال 79، سال امام علی بن ابی طالب علیه الصلاة والسلام است. سال علوی برای ملت علوی و مخلص علی بن ابی طالب علیه الصلاة والسلام می تواند حامل پیامهای بسیار مهمی باشد. سال گذشته هم به نام آن بزرگوار مزین شد؛ اما آرزوی قلبی این جانب این است که امسال ما به شعار اکتفا نکنیم. شعار علوی، عزیز است؛ اما شعار باید مقدمه رفتار باشد. اگر سال گذشته شعار علوی دادیم، امسال رفتار علوی پیشه کنیم. علی بن ابی طالب علیه الصلاة والسلام، هم دارای شخصیت فردی به عنوان یک مسلمان و یک انسان است، هم به عنوان یک شهروند در جامعه اسلامی است، و هم به عنوان یک حاکم، یک سیاستمدار، یک تدبیرکننده امور و یک مجاهد فی سبیل الله مطرح است. او از همه این جهات قابل تأسی است. ما به تأسی و پیروی کردن از امیرالمؤمنین احتیاج داریم.

امیرالمؤمنین در شخصیت خود، مظهر خصوصیات است که امروز اگر ما مردم و مسؤولان این خصوصیات را در رفتار و گفتار خودمان منعکس کنیم، جامعه اسلامی مان اوج و اعتلاء پیدا خواهد کرد. راه تعالی و پیشرفت و اصلاح دنیا و آخرت یک ملت، یک راه پیمودنی است. در مقابل انسان مؤمن و معتقد به خدا و به رسالت انسان، بن بست وجود ندارد. یک ملت می تواند همه مشکلات و همه سنگ راهها و خار راهها در طریق کمال را از جلو پای خود بردارد؛ به شرط آن که خصوصیات را که برای این حرکت عظیم و همه جانبه لازم است، در خود به وجود آورد، و امیرالمؤمنین مظهر این خصوصیات بود. امیرالمؤمنین، هم مظهر تقوا و امانت و هم دارای صدق و صراحت بود. آن بزرگوار با این که یک سیاستمدار و رئیس دنیای اسلام بود و تدبیر امور یک جمعیت عظیم چند ده میلیونی آن زمان، با نبود وسایل امروزی برای ارتباط، بر دوش او بود و جامعه و امت اسلامی را اداره می کرد، اما سیاستمداری علی موجب این نمی شد که از جاده صداقت و صراحت کنار رود. علی، صادق و صریح بود؛ آنچه می گفت، به آن معتقد بود و برای او راهنمای عمل بود. برای این است که کلمه کلمه گفتار امیرالمؤمنین در طول تاریخ مثل نورافکنی برای زیدگان و نخبگان فکری عالم درخشیده است.

کاري را که سیاستمداران دنیا - چه امروز و چه در طول قرنهای گذشته - انجام می دادند و حرفی را که بر زبان می



آوردند و به آن اعتقاد قلبی نداشتند و چهره و قیافه ای را که به خود می گرفتند و با باطن آنها به کثی متفاوت بود، در امیرالمؤمنین وجود نداشت. امروز شما نگاه کنید؛ حرفهای زیبا و قشنگ بر زبان سیاستمداران عالم بسیار جاری می شود - نام انسان، نام حقوق بشر، نام مردم سالاری، نام صلح، نام قداست - اما در دلها و در عملها، از این حقایق هیچ گونه خبری وجود ندارد. این وضعیت، قبل از دوران امیرالمؤمنین هم بود؛ امروز هم وجود دارد. امیرالمؤمنین - آن قله بلند انسانیت - در این جهت برخلاف اغلب سیاستمداران عمل کرده است. خصوصیت او این بود که اگر اسم مردم را می آورد، برای آنها حقیقتاً ارزش قائل بود؛ نه مثل کسانی که در سطح بین المللی از هرچه تروریست حرفه ای است - که امروز حکام صهیونیست در دنیا تروریستهای حرفه ای هستند - از هرچه غارتگر بین المللی است - که امروز پشت صحنه قدرتهای استکباری، زرسالاران و چپاولگران بین المللی هستند - از هرچه انسان نانجیب و متجاوز به حقوق انسان است، عملاً حمایت و پشتیبانی می کنند و خجالت هم نمی کشند و بر زبان نام حقوق بشر و انسان و مردم سالاری را جاری می کنند و طلبکار ملتها هم می شوند! نظام جمهوری اسلامی را که یقیناً یکی از مردمی ترین نظامهای عالم و متکی به آرای قشرهای عظیم مردم و گره خورده با عواطف و احساسات و ایمان آنهاست، به عنوان نظام مردم سالار قبول ندارند؛ اما نظامهای حکومت مطلقه فردی و سلطنتهای موروثی و نظامهای کودتا و آن جایی که بچه های دبستانی آن از آسیب نیروهای امنیتی شان در امان نیستند و به دست آنها به قتل می رسند، آنها را به عنوان نظامهای معتقد به حقوق بشر می شناسند! این یک مضحکه سیاسی و جهانی است. سیاستمداران نظامهای غیرالهی مایلند همه انسانهای عالم، دستخوش چنین بازیچه هایی باشند. امیرالمؤمنین نام مردم را می آورد، اما به معنای حقیقی کلمه طرفدار مردم و ضعفا بود. توجه به ضعفا، قدرت و قاطعیت در مقابل زورگویان و ناحق طلبان و بهره مندی کم از منابع اموال عمومی، خصوصیات دیگر امیرالمؤمنین است. هر کس که بیت المال مسلمین را ملک خود به حساب می آورد - یا به زبان بگوید، و یا اگر نمی گوید، در عمل این طور وانمود کند که ما این قدرها حق داریم - و با بیت المال مثل اموال شخصی خود رفتار کند - یا بخورد یا ببخشد یا در راه اغراض شخصی از آن استفاده کند - نمی تواند دنباله رو علی به حساب آید. رفتار علوی در همه این ابعاد، وظیفه ماست؛ کار زیاد، بهره مندی کم. امیرالمؤمنین، هم در آن زمانی که وظیفه حکومت بر دوش او بود و هم در آن زمانی که انزوا و کنار بودن از حکومت را بر او تحمیل کرده بودند، وسط میدان بود و کار می کرد. هیچ وقت علی نرفت در خانه بنشیند و با مردم و جامعه و کشور قهر کند. این خصوصیت امیرالمؤمنین نیست. خصوصیت دیگر آن بزرگوار، ارتباط با خداست. البته زبان انسانهای کوچک و قاصری مثل من بسیار نارسا تر از این است که حتی بتواند تفوه کند و کلیاتی از عبادت آن بزرگوار را بیان نماید. وقتی امام سجاد - که زین عابدین است - در مقابل عبادت امیرالمؤمنین به شگفتی وادار شود، امثال ما اصلاً باید سخنی بر زبان نیاوریم. بسیج نیروها در راه حق و در برابر ناحق، خصوصیت دیگر امیرالمؤمنین است. نگویند چرا مردم را نسبت به استکبار و مظالم آن و عوامل و ایادی دشمنان خدا حساس و بسیج می کنید. امیرالمؤمنین هم این خصوصیت را داشت. ما هم باید مانند امیرالمؤمنین، همه نیروها و همه دلها و همه تن ها و همه توانها را در مقابل ناحق و در راه حق بسیج کنیم. هم باید خودمان آماده باشیم؛ هم باید دلها و جانهای آماده و جوانهای نورانی را - که امروز جامعه ما به وجود جوانانی که دلهایشان پاک است، دارای نشاط و طراوت است - در راه خدا و در راه حقیقت و در راه تلاش مخلصانه - که در این دوران، ایران اسلامی به آن نیازمند است - بسیج کنیم.

مبارزه با مقدّس مآبیهایی متحجّرانه و بی مبنا هم یکی دیگر از خصوصیات امیرالمؤمنین است. همان امیرالمؤمنین عابد پارسای ذاکر خداوند - که نخلستانهای کوفه انعکاس فریاد دعا و تضرّع او را تا ابد در سینه خود حفظ کرده اند - با کسانی که با تنسک و تعبد متحجّرانه و بی مبنا می خواستند شخصیت فردی خودشان را به رخ مردم بکشند، و اگر اخلاص هم داشتند، ابعاد گوناگون شخصیت خود و دیگران را معطل گذاشته بودند، مقابله کرد. امیرالمؤمنین



انسانی است که مَرّ حقیقت را بیان می‌کرد؛ چه به مذاق جناح‌های مختلف خوش بیاید یا نیاید؛ چه به مذاق کسانی که می‌خواهند به ظواهر بچسبند و باطن را رها کنند، خوش بیاید یا نیاید؛ چه به مذاق کسانی که می‌خواهند با سلايق شخصي خودشان دين خدا را تعبیر و تفسیر کنند، خوش بیاید یا نیاید. همه اینها در زمان امیرالمؤمنین بودند. اینها شخصیت‌های مشخصی هستند که در تاریخ نمونه دارند؛ در زمان امیرالمؤمنین هم نمونه داشتند. اسلام امیرالمؤمنین، اسلامی است که در آن، ذکر و شور و حال و طراوت و حرکت و سازندگی و جهاد و فداکاری و ایثار هست. امروز که ما نمونه‌هایی از آن انسان‌های جورواجور را می‌بینیم، وظیفه پیدا می‌کنیم.

هیچ کس نمی‌تواند خودش را با علی مقایسه کند؛ اما همه می‌توانند به سمت آن قله حرکت کنند. امیرالمؤمنین شاخص است. در درجه اول، ما مسؤولان وظیفه و تکلیف داریم که خودمان را با رفتار امیرالمؤمنین تطبیق دهیم و جهت حرکت خودمان را با او بسنجیم. آحاد مردم نیز همین تکلیف را دارند. عرض کردیم، امیرالمؤمنین، هم یک سیاستمدار و یک مدبر امور است، هم یک شهروند معمولی است. همه ابعاد در زندگی امیرالمؤمنین وجود دارد. پیر و جوان، زن و مرد و قشرهای مختلف می‌توانند از امیرالمؤمنین درس بگیرند؛ ولی وظیفه مسؤولان سنگین‌تر است. من آن روز گفتم، امروز هم می‌گویم؛ وظیفه مسؤولان سنگین است. باید رفتار علوی در میان ما مسؤولان نظام جمهوری اسلامی نهادینه شود. آن روز است که هیچ‌گونه آسیب و خطری این نظام را تهدید نخواهد کرد.

انقلاب اسلامی بر اساس الگو قرار دادن همین شخصیت همه‌جانبه کامل به وجود آمد. آنهایی که خواستند از انقلاب‌های گذشته و از بعضی حوادث کشورهای دیگر برای انقلاب اسلامی شبیه‌سازی کنند، به این نکته توجه نکردند. انقلاب اسلامی الگو و نمونه خود را از امیرالمؤمنین گرفت و نظام جمهوری اسلامی به وجود آمد. امام بزرگوار ما که یک شاگرد و رهرو مکتب امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام بودند، در رفتار و گفتار خود، همین توصیه‌ها را می‌کردند. اگر نگاه کنید، در تعالیم امام بزرگوار، جابه‌جا شاخص‌های علوی را مشاهده می‌کنید. به خاطر همین بوده است که دشمنان، نقطه مقابل راه امام را هدف فعالیت خودشان قرار داده‌اند. تبلیغات دشمنان انقلاب و نظام جمهوری اسلامی - که دشمنان ملت ایرانند - هدف خود را همین قرار داده‌اند که نقطه مقابل راهی را که امام بزرگوار با شاخص‌های معین ترسیم کرده بودند، در میان مردم ترویج کنند.

البته متن ملت عزیز ما، تسلیم فشار تبلیغاتی دشمن نشده و نخواهد شد؛ اما کسانی که خودشان اشتباه کردند، در بین ما هستند. اینها راه غلطی رفتند و بعضی از مجموعه‌ها را هم با خودشان به راه غلط کشاندند. امام به ملت ما یاد دادند که باید مسؤولان در فکر ضعف و پابرهنه‌ها باشند و به نیازهای مردم توجه کنند. آنها در تبلیغات و در تهاجم فرهنگی خود، توجه به خواست قدرتهای استکباری را ملاک قرار دادند؛ ببینند امریکا از چه چیزی بدش می‌آید، از آن پرهیز کنند؛ ببینند قلدان و زورگویان عالم به چه چیزی تمایل دارند، به طرف آن حرکت کنند. این نقطه مقابل تعالیم جمهوری اسلامی است که در گفتار امام بزرگوار ما تجلی می‌کرد. امام به ما یاد دادند که هرچه فریاد دارید، بر سر امریکا بکشید؛ اما عده‌ای فریادهای خود را بر سر خودیها کشیدند؛ به دیگران هم یاد می‌دهند که بر سر همدیگر فریاد بکشند! امام در وصیت‌نامه و در تعلیمات دوران حیات بابرکت خود تکرار می‌کردند که از غریبه‌ها و نامحرمها و نفوذیها برحذر باشید. مراقب باشید تا کسانی که با این انقلاب و این نظام و این اسلام و با منافع مردم هیچ‌میانه خوبی ندارند، در ارکان تصمیم‌گیری کشور نفوذ نکنند. مسأله غریبه‌ها و نااهلها و نامحرمها را، اول امام مطرح کردند. اینها در مقابل آن جهت و آن خط‌روشن، می‌گویند از دوستان و از خودیها برحذر باشید و پرهیز کنید. اینها را با نامهای گوناگون و چپ و راست مطرح می‌کنند. اگر شما هر کدام از این رادیوهای بیگانه را باز کنید، در هر یک از برنامه‌هایشان، حداقل چند بار اسم جناح محافظه‌کار و نوگرا را مطرح می‌کنند؛ تعبیراتی که ملت ایران و علاقه‌مندان به انقلاب و مؤمنان و وفاداران به مصالح عمومی این ملت و این کشور را به جبهه‌های مختلفی تقسیم می‌کند. امام می‌گفتند ایران یکپارچه، ملت متحد و همزبان؛ اما عده‌ای سعی می‌کنند طبق خواست و میل و



صلاحید دشمنان این ملت، جهات غیرعمومی را - قومیتها و مذاهب و دسته دسته کردن مردم و بازی با الفاظی از قبیل حزب و امثال آن را - در میان مردم رایج کنند و یکپارچگی مردم و آن وحدتی را که می تواند ایران اسلامی را از لابلای توفانها عبور دهد، به هر شکلی دچار انشقاق و پراکندگی کنند.

جمهوری اسلامی، همان الگوی امیرالمؤمنین - الگوی ایمان، تقوا، پاکدامنی، توجه به ضعفا و خواست طبقات محروم جامعه و توجه به مصالح عمومی ملت - را مورد توجه قرار داد. بدیهی است که عده ای با چنین نظام و حکومت و کشوری که باج نمی دهد، تسلیم دشمن مداخله گر نمی شود، فرش قرمز در مقابل پای چپاولگران پهن نمی کند، مصالح کشور را به بیگانگان نمی سپارد و می ایستد و از حق خود دفاع می کند، مخالف و دشمن می شوند.

چرا بعضی افراد از آوردن اسم دشمن بدشان می آید؟! می گویند نفهمید، ندانید و به یاد نیاورید که دشمن دارید! انقلاب و نظام جمهوری اسلامی این راه روشن را به ما نشان داد و این خط صلاح و فلاح را در مقابل پای ملت گذاشت. انقلاب احتیاج به تجدیدنظر ندارد؛ احتیاج به عمل کردن دارد. عده ای دائماً دم از تجدیدنظر می زنند. در چه چیزی می خواهید تجدیدنظر کنید؟! انقلاب، یک حرکت عظیم در مقابل فساد و بی کفایتی رژیم بود که تا خرخره در لجنزارهای فساد و وابستگی گرفتار شده بود. انقلاب، یک اصلاح بزرگ است. باید به انقلاب عمل کرد؛ باید به قانون اساسی عمل کرد؛ باید به مبانی نظام جمهوری اسلامی وفادار بود و عمل کرد. انقلاب و جمهوری اسلامی عیبی ندارد. بنده و امثال بنده با ضعفها و کم بصیرتی و ترس و جبن ذاتی و دلدادگی خود به امور مادی و عشرت دنیایی می خواهیم انقلاب را تفسیر کنیم. ما ضعفهای خود را به حساب انقلاب می گذاریم؛ در حالی که انقلاب، قوی و کارآمد است و نظام جمهوری اسلامی، همان قله بلندی است که می تواند ملت ایران و کشور عزیز ما را از همه گرفتاریهای مادی و معنوی اش بیرون بیاورد؛ به شرطی که بنده و امثال بنده به آنچه که نظام جمهوری اسلامی و اسلام عزیز بر دوش ما گذاشته، عمل کنیم و ضعفهای خودمان را به پای نظام جمهوری اسلامی نگذاریم. لذا من امسال - که سال امام علی در رفتار، نه فقط در گفتار است - دو شعار اصلی را برای عملکرد دستگاههای مختلف کشور مطرح کردم، که باید آن را در مقابل چشم داشته باشند: یکی اقتدار ملی و دیگری اشتغال مفید و مولد؛ و حتی اولی از دومی مهمتر است. با این که امروز مسأله اشتغال در کشور ما یک مسأله بسیار مهم و اساسی است و اگر برنامه ریزی خوب و کارآمد و عمل جدی دنبال این عنوان وجود داشته باشد، به وضوح مشکلات بتدریج کاهش پیدا خواهد کرد - که البته خوشبختانه از سال 79 برنامه ریزی را شروع کرده اند و امسال باید مسؤولان کشور به طور جدی وارد میدان شوند - اما مسأله اقتدار ملی از این مهمتر است. یک ملت مثل ملت ایران، با همه وجودش، با سابقه تاریخی اش، با ریشه های فرهنگی اش، با امکانات جغرافیایی و اقلیمی اش و با تواناییهای فراوان بشری، اقتدار و عزت و توانایی و آبروی خود را در چهره مسؤولان کشور مشاهده می کند. مسؤولان کشور و قوای سه گانه می توانند مظهر اقتدار ملی باشند.

اقتدار ملی یعنی چه؟ اقتدار ملی دست قدرتمندی است که مجموعه نیروهای فعال قوای سه گانه در تشکیل آن سهم دارند و باید وظیفه خودشان را با شجاعت و اقتدار و امید و بدون رودربایستی و با همکاری کامل انجام دهند. یک ملت اگر اقتدار ملی داشته باشد - اقتدار در زمینه اقتصاد، سیاست، فرهنگ و سازماندهی دولتی - مشکلات مادی و معنوی اش حل خواهد شد. اگر فرضاً مسؤولی در بخش امنیت، کار خود را خوب انجام دهد، مردم احساس عزت و اقتدار می کنند. اگر مسؤولی در بخش اقتصاد تلاش کند و کارآمدی خود را نشان دهد - پول ملی را تقویت کند، تورم را مهار کند، در جامعه رونق اقتصادی به وجود آورد و طبقات محروم را از حقوقی که متعلق به آنهاست، برخوردار نماید - مردم احساس اقتدار و توانایی می کنند. خودشان را در آن مسؤول، مشاهده و ملاحظه می کنند و او را مظهر خودشان به حساب می آورند. وقتی در عرصه بین المللی، مسؤولان کشور، با عزت و سربلندی و استغناء در مجامع



جهانی شرکت می کنند و حرف حق خودشان را با شجاعت بر زبان می آورند و در معامله و مبادله با دولتها، منافع ملی را مد نظر می گیرند و مصالح را ملاحظه و به نفع کشور کار می کنند، ملت که در جریان این کارها قرار می گیرد، احساس اقتدار می کند.

اقتدار ملی به دو عنصر اصلی نیاز دارد: یکی این که همه افراد وظایف خودشان را با قاطعیت انجام دهند. دوم این که قوای سه گانه با هم همکاری کنند. باز من ناچارم به تبلیغات دشمنان اشاره کنم که در رادیوهای مزدور، علیه انقلاب تجلی پیدا کرده است. اگر شما هر کدام از این رادیوها را باز کنید، می بینید که یک قوه را می کوبند، یک قوه را تا عرش بالا می برند؛ یک دسته را مورد حمایت و دسته دیگر را مورد اهانت قرار می دهند. می خواهند قوا در هم تنیده نشوند؛ می خواهند دستها در هم گره نخورند؛ می خواهند در بنای حاکمیت ملی نظام جمهوری اسلامی شکاف به وجود آید و دل‌های مسؤولان با هم مهربان نشود.

طبق قانون اساسی، رهبری وظیفه هماهنگی قوا را برعهده دارد. ضد انقلاب به وسیله خیل و حشم تبلیغاتی خود، نقطه مقابل این وظیفه را برعهده دارد؛ وظیفه ی جدا کردن و دور کردن قوا از یکدیگر. آن روز من در حرم امام گفتم، امروز هم در حرم علی بن موسی الرضا علیه السلام این نکته را به ملت ایران عرض می کنم: کسی فریب نخورد که فلان مسؤول یک کشور بیگانه بگوید ما از فلان جناح، فلان گروه، و فلان شخصیتها حمایت می کنیم. حمایت آنها ننگ است، افتخار نیست. اخیراً باز یک نفر از دولتمردان رژیم امریکا گفته که ما از فلان جریان در داخل ایران حمایت می کنیم! شما که از شاه هم حمایت می کردید! حمایت شما فایده ای به حال کسی ندارد. امریکا بیشترین حمایت را از رژیم شاه کرد. مردم همین پیوستگی با امریکای دشمن ملت ایران را دیدند که واقعیت‌های آن رژیم فاسد برایشان آشکار شد. شما از هر کس حمایت کنید، او منفور ملت می شود.

من از این پایگاه معنوی و روحانی به همه مسؤولان عالی رتبه کشور پیام می دهم که سال 80 را سال تفاهم، سال انس، سال همکاری و سال کمک به یکدیگر قرار دهند. قوه مجریه و قضاییه دو قوه ای هستند که باید مثل بازوان فعال در عرصه ی کشور کار کنند. وظایفی بر دوش قوه مجریه است؛ وظایفی هم بر دوش قوه قضاییه است؛ قوه مقتنه هم باید به عنوان پشتیبان و حامی این دو قوه، قوانین لازم را برای اجرای خوب و مشکل پیدا نکردن در راه عمل و اجرا، در اختیار اینها قرار دهد تا دچار کمبود قانون نشوند. در مجلس شورای اسلامی قانون باید طبق مصالح کشور، مصالح ملت و مطابق با اسلام باشد تا قوه مجریه و قوه قضاییه بتوانند با استفاده از قانون و مجرای صحیح قانونی، وظایف خودشان را انجام دهند. این می شود اقتدار ملی. اقتدار ملی به کار جدی و قاطعانه از سوی همه مسؤولان بخش‌های مختلف کشور و هماهنگی دستگاه‌های مختلف در راه مصالح ملت احتیاج دارد. همدیگر را تخریب نکنند، آن گونه که دشمن می خواهد.

و اما درباره مسأله اشتغال. عزیزان! کار در اسلام عبادت است. اسلام از تنبلی و تن پروری و بیکارگی بیزار است. کار، فقط پشت میز نشینی نیست؛ همه نوع کاری در وضع کنونی کشور مورد نیاز است. کارهای فکری هم کار است، کارهای جسمانی هم کار است، کارهای اداری هم کار است؛ کارهای گوناگون در بخش‌های مختلف، کار است. دو طرف باید به طور جدی در این قضیه هماهنگ باشند: یک طرف، طرف مردم است - جوانان کشور ما با تواناییها و استعداد‌های گوناگون - یک طرف هم مسؤولان و برنامه ریزان قرار دارند. میدان برای کار در کشور زیاد است. من به استان‌هایی که مسافرت می کنم و از نزدیک بعضی از مسائل آنها را از مسؤولانی که با این مسائل، مماس و مجاور هستند، پرس و جو می کنم، می بینم خوشبختانه زمینه و میدان کار و اشتغال مفید در کشور زیاد است. حتی برای جوان دانشجو یا دانش آموز در دوران تعطیلات تابستانی می شود کارهای موقت به وجود آورد.

سال گذشته ما تجربه کوچکی کردیم. قبل از تابستان، من از سازمان بسیج سپاه پاسداران و از جهاد سازندگی مشترکاً خواستم برای تابستان جوانان یک برنامه ریزی فوری بکنند. خیلی هم نخواستیم به تبلیغات پیردازیم و سر و



صدای آن را مطرح کنیم. بعد از تابستان، گزارشی که به من دادند، شگفت آور بود. نیروهای بسیج با نیروهای جهاد سازندگی - که امسال با وزارت کشاورزی ادغام شدند و وزارت جهاد کشاورزی را به وجود آوردند - همکاری کردند و عنوان آن را «بسیج سازندگی» گذاشتند. از چندی پیش سفارش کردم و الان هم به این دو سازمان - یعنی جهاد کشاورزی و بسیج - و نیز به آموزش و پرورش از همین جا توصیه می‌کنم که برنامه ریزی کنند. می‌توانند برای جوانها به میزان زیادی کارهای موقت - حتی در دوره تابستان - پیدا کنند. زمینه اشتغال در این کشور زیاد است. همت و تلاش پیگیر مسئولان لازم است تا بتواند این خیل عظیم جوانان را به کارهای مولد و پیشبرنده سرگرم و مشغول کند. زندگی مادی و معنوی یک ملت به کار و عمل وابسته است. برنامه‌های خوبی در سال 79 - بخصوص در این یکی دو ماه آخر سال - طراحی شده و نشستهای خوبی داشته‌اند. بنده هم مؤکداً توصیه کرده‌ام که این مسأله به طور جدی دنبال شود. بحمدالله رئیس‌جمهور محترم و مسئولان دولتی در این قضیه به طور جدی وارد شده‌اند. بنابراین امسال می‌تواند سال اشتغال باشد.

توجه کنید که ما در اوایل سال، انتخابات بسیار مهم ریاست جمهوری را داریم. همه مراقب باشند - هم مردم، هم مسئولان، هم عناصر سیاسی - که بهانه‌ها موجب چرکین شدن دلهای مردم از یکدیگر نشود. انتخابات برگزار شود، رقابتهای انتخاباتی در جای خود صورت گیرد، مردم آزادانه رأی خود را در صندوقها بریزند؛ در حالی که هیچ‌گونه نقار و نفرت و جدایی هم وجود نداشته باشد. این ممکن است. عده‌ای تصور می‌کنند که انتخابات بدون کدورت و نفرت و بدگویی به یکدیگر امکان برگزاری ندارد! این طور نیست؛ می‌توان انتخابات سالم و پرشوری برگزار کرد. البته درباره انتخابات، در زمان خود، آنچه را که وظیفه من باشد، به مردم عزیزمان عرض می‌کنم؛ اما آنچه که امروز عرض می‌کنم این است که خود انتخابات، مظهر اقتدار ملی است. اگر ملت عزیز ایران بتواند در این انتخابات، آرای فراوان خود را به میدان آورد و حضور مردمی، حضور چشمگیری باشد، این بزرگترین مظهر اقتدار و عزت ملی است. امیدوارم که خداوند متعال این توفیق را به مسئولان بدهد تا انتخابات خوبی را برگزار کنند و ملت عزیزمان در این انتخابات، با شور و هیجان و شعور کامل - که بحمدالله از آن برخوردار هستند - شرکت کنند و یک بار دیگر عزت و رشادت خود را به دنیا نشان دهند.

پروردگارا! قلب مقدس ولی عصر را از این ملت و از حرکات عظیمی که به وسیله او انجام گرفته است و می‌گیرد، خشنود فرما. پروردگارا! این ملت و مسئولان کشور را مشمول ادعیه زاکیه حضرت بقیةالله قرار بده. خدایا! ما را به وظایفمان آشنا و به آنها عامل فرما. پروردگارا! به محمد و آل محمد، زندگی و مرگ ما را برای خودت و در راه خودت قرار بده. پروردگارا! شهیدان عزیز ما و امام شهیدان را در پیشگاه خود با اولیای محشور فرما. والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته